

تحلیل ژئوپلیتیکی اهمیت خلیج فارس برای قدرت‌های دریایی (از آغاز عصر استعمار تاکنون)

عباس طباطبایی^۱
بهاره احمدی^۲

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۸/۰۸/۳۰

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۸/۱۱/۰۲

چکیده

راهبردهای ژئوپلیتیکی قدرت‌های دریایی در حال حاضر حفظ حضور نظامی خود در خلیج فارس می‌باشد.

کلیدواژه

خلیج فارس؛ قدرت‌های دریایی؛ قدرت‌های زمینی؛ استعمار.

مقدمه

حضور قدرت‌های دریایی در خلیج فارس از آغاز عصر استعمار همواره احساس شده است. خلیج فارس از جمله مناطقی است که قدرت‌های دریایی جهان بارها در آن به جنگ پرداخته‌اند و عملیات نظامی آنها هنوز نیز به پایان نرسیده است. ایالات متحده آمریکا و بریتانیا در بیشتر کشورهای حاشیه خلیج فارس دارای پایگاه نظامی هستند. در دوران بازی بزرگ، بریتانیا همواره در تلاش برای توقف ارتش قدرتمند روسیه تزاری بود که به سمت جنوب حرکت می‌کرد و برای این کار از جنگ، تهدید و توافق استفاده می‌کردند. پس از پایان جنگ جهانی دوم روس‌ها که از رودخانه ارس عبور کرده بودند، تلاش کردند تا در منطقه آذربایجان و کردستان، برای

مکیندر جغرافیدان انگلیسی و آلفرد تایر ماهان افسر نیروی دریایی و تاریخدان آمریکایی، قدرت‌های جهانی را به قدرت زمینی به مرکزیت روسیه و قدرت دریایی به مرکزیت آمریکا و بریتانیا تقسیم کردند. بعدها جغرافیدانان دیگری به تکمیل این نظریات پرداختند و کشورهای حاشیه خلیج فارس را به عنوان یکی از مهم‌ترین نواحی کمر بند ریملند و مناطق قفقاز و خلیج فارس را به عنوان هارتلند انرژی معرفی کردند. از این رو خلیج فارس به عنوان بخشی از این کمر بند، همواره میدان برخورد قدرت‌های دریایی یعنی بریتانیا و در سال‌های بعد ایالات متحده به شمار می‌رفت، چنانچه تا به امروز نیز به تقویت حضور نظامی خود در خلیج فارس پرداخته‌اند. این مقاله با رویکردی تحلیلی - توصیفی علایق ژئوپلیتیکی قدرت‌های دریایی در حفظ و مهار خلیج فارس را مورد بررسی قرار می‌دهد. برطبق نتایج پژوهش، یکی از مهم‌ترین

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد رشته جغرافیای سیاسی دانشگاه تهران (نویسنده مسئول).
ir.ac.ut@tabatabai.abbas

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد رشته جغرافیای سیاسی دانشگاه تهران.
bahar.ahmadi@ut.ac.ir

چارچوب نظری

جغرافیا، مطالعه زمین و کشورها، کوه‌ها، رودخانه‌ها، آب و هوا و ... است. جغرافیای سیاسی زیرمجموعه‌ای از جغرافیای انسانی است که راه‌های تأثیر سیاست‌ها و نزاع‌ها در خلق مکان‌هایی که خودشان تا اندازه‌ای توسط هستی و موجودیت‌های جغرافیایی معین شده‌اند را بررسی می‌کند. تعاریف اصیل مفهوم ژئوپلیتیک به ژئوپلیتیک قدیم و نظریات نظریه پردازان نظامی دانشگاهی نظیر هلفورد مکیندر^۳، هاوس هوفر^۴ و اسپایکمن^۵ بازمی‌گردد. برای آنها ژئوپلیتیک ارتباط چگونگی روابط بین‌الملل با شکل فضایی اقیانوس‌ها، قاره‌ها، منابع طبیعی، اندام نظامی و تهدیدات و فرصت‌های شناخته‌شده سرزمینی بود (Gregory and others, 2009: 301 - 302). ژئوپلیتیک یا سیاست جغرافیایی در ساده‌ترین تعریف دانش بررسی اثر محیط و پدیده‌های جغرافیایی بر تصمیم‌گیری‌های سیاسی به‌شمار می‌رود. درحالی‌که جغرافیای سیاسی به تأثیر سیاست بر جغرافیا می‌پردازد (مجتهدزاده، ۱۳۹۵: ۱۳۸). اهمیت این مسئله به قدری است که بدون داشتن دید جغرافیایی از جهان نمی‌توان در عرصه سیاست به راهکار مطلوبی رسید (عزتی، ۱۳۸۶: ۷). واژه ژئوپلیتیک برای نخستین بار توسط رودولف کیلن سوئدی در سال ۱۸۹۹ م. بکار برده شد. از آن تاریخ جغرافیدانان سیاسی، نظریات زیادی را پیرامون آن عرضه کرده‌اند. هلفورد مکیندر جغرافیدان انگلیسی در سال ۱۹۰۴ م. نظریه سرزمین قلبی یا هارتلند را ارائه داد. وی بر این باور بود که سرزمین‌هایی که از غرب به رودخانه ولگا و از شرق به سیبری، از شمال به اقیانوس منجمد شمالی و از جنوب به ارتفاعات هیمالیا، ارتفاعات ایران و ارتفاعات مغولستان محدود می‌شد، یک سرزمین قلبی یا هارتلند است که هر کس بر آن مسلط باشد به سبب دور بودن از دسترسی قدرت‌های دریایی، می‌تواند بر جهان مسلط باشد. این سرزمین تقریباً به‌طور کامل در اختیار روسیه تزاری بود (نقشه ۱) (عزتی، ۱۳۸۸: ۱۴-۹).

خودشان علایقی بیافرینند که با واکنش سخت ایالات متحده آمریکا مواجه شدند. بریتانیا که از دوران ملکه الیزابت به عنوان قدرت بزرگ دریایی شناخته می‌شد توانست ناپلئون را با تکیه بر نیروی دریایی خود شکست دهد و پس از موافقت با اصل مونرو به نوعی با ایالات متحده به عنوان یک قدرت بالقوه دریایی متحد شد. تسلط امپراتوری عثمانی بر تنگه‌های بسفر^۱ و داردanel^۲ سبب شده بود تا توجه قدرت‌های اروپایی به منطقه خلیج فارس بیشتر شود (طرفداری، ۱۳۸۷: ۵۲). ایالات متحده آمریکا توانست پس از جنگ جهانی دوم با برعهده گرفتن رهبری قدرت‌های دریایی جای بریتانیا را بگیرد. ایالات متحده آمریکا همواره حضور پررنگ نظامی خود را در خلیج فارس مستحکم کرده و اجازه نفوذ و قدرت‌یابی رقبای منطقه‌ای و جهانی خود را نداده است (ذاکر اصفهانی، ۱۳۷۶: ۷۱).

اهمیت ژئوپلیتیکی خلیج فارس برای قدرت‌های دریایی بسیار زیاد است. افزون بر اینکه این منطقه یکی از مهم‌ترین تولیدکنندگان انرژی در جهان به‌شمار می‌آید، به نوعی حلقه ارتباط دریایی شرق و غرب جهان نیز محسوب می‌شود. تسلط بر خلیج فارس به معنای زیر نظر گرفتن قدرت‌های زمینی در شمال و مسیر بزرگ آبراهه بین‌المللی در جنوب است که از دریای سرخ می‌گذرد. بدون تسلط بر کشورهای حاشیه خلیج فارس، خاورمیانه و شمال آفریقا از تسلط قدرت‌های دریایی خارج خواهد شد.

روش پژوهش

روش پژوهش در این مقاله، توصیفی-تحلیلی است که به شیوه کتابخانه‌ای به بررسی میزان اهمیت ژئوپلیتیکی خلیج فارس برای قدرت‌های دریایی با مراجعه به اسناد، کتب، مقالات و دیگر منابع پرداخته شده است. پژوهش پیش‌رو از نظر ماهیت و روش، پژوهشی تاریخی و توصیفی و از نظر هدف تا حدودی پژوهشی علی و همچنین بنیادی نظری به‌شمار می‌آید.

3. Halford John Mackinder.

4. Haushofer

5. Nichols spykman

1. Bosphorus.

2. Dardanelles.



نقشه ۱. سرزمین‌های قلبی در نظریه مکیندر (مرادخانی، ۱۳۹۵)

یافته‌ها

نخستین قدرت‌های اروپایی که برای تسلط بر جهان سوار بر کشتی‌های خود شدند و عصری را آغاز کردند که به عصر استعمار معروف شد، اسپانیا و پرتغال بودند. پرتغالی‌ها به زودی در سواحل جنوبی ایران نفوذ کردند و در بنادر مهم خلیج فارس و مکران مانند جزایر هرمز و قشم و بنادر گمبرون (بندرعباس) و چابهار دست به ایجاد تأسیسات نظامی زدند. حضور پرتغالی‌ها چندان طولانی نشد. در دوران شاه‌عباس صفوی، پادشاه قدرتمند ایران، ارتش ایران به فرماندهی امام قلی خان و کمک نیروی دریایی انگلیس، پرتغالی‌ها را شکست داد. حذف پرتغالی‌ها زمینه را برای حضور انگلیسی‌ها مهیا کرد اما حضور مقتدر ایران در دوران صفوی و افشاریه اجازه فعالیت به آنها را نداد (چمنکار، ۱۳۸۹: ۲).
مقابله دریایی آنها با حکومت زند نیز به شکست انجامید؛ اما در دوران قاجار به سبب ضعف حکومت مرکزی ایران و عثمانی در منطقه و اشغال هند توسط بریتانیا، این کشور دامنه نفوذ خود را در خلیج فارس گسترش داد (قاسمیان، ۱۳۹۱: ۶۶).

نظریه مکیندر بعدها توسط نیکولاس اسپایکمن، جغرافیدان آمریکایی تغییر داده شد. به طوری که اسپایکمن مناطق پیرامونی سرزمین قلبی را به عنوان نوار حاشیه‌ای در نظر گرفت و نام آن را ریملند نامید. او معتقد بود که هر کس بر این ناحیه تسلط داشته باشد بر جهان تسلط خواهد داشت و این منطقه صحنه برخورد قدرت‌های زمینی یعنی روسیه و قدرت‌های دریایی یعنی بریتانیا و ایالات متحده آمریکا خواهد بود. بعدها جرج کنان برای مهار اتحاد جماهیر شوروی پیشنهاد داد تا با ایجاد حکومت‌های حائل در این ناحیه، جلوی نفوذ کمونیسم گرفته شود. سیاستی که به کاتتین مکت معروف شد (عزتی، ۱۳۸۸: ۱۶-۱۴).

کشورهای حاشیه خلیج فارس به عنوان یکی از مهم‌ترین نواحی ریملند به‌شمار می‌روند. همچنین بعدها جفری کمپ مناطق قفقاز و خلیج فارس را به عنوان هارتلند انرژی معرفی کرد (حافظنیا، ۱۳۸۵: ۲۱۸).

شد. مستعمراتی که با تکیه بر توان نیروی دریایی فتح و حفاظت می شدند (نقشه ۲) (حقیقی، ۱۳۸۸: ۷۹).

اصل مونرو

پس از پایان جنگ‌های ناپلئونی، قدرت‌های پیروز تصمیم گرفتند تا برای جلوگیری از قدرت یافتن انقلابیون و تکرار حوادثی مانند انقلاب فرانسه، از خیزش‌های مردمی در هر نقطه از دنیا جلوگیری کنند. آنها تصمیم گرفتند تا خیزش‌های مردمی امریکای لاتین را نیز سرکوب کنند. جیمز مونرو رئیس‌جمهور ایالات متحده آمریکا که از دخالت اروپایی‌ها در قاره آمریکا وحشت داشت در سال ۱۸۲۳ م. اصل معروف خود را تحت عنوان اصل مونرو اعلام کرد. برطبق این اصل قدرت‌های اروپایی حق مداخله در قاره آمریکا را ندارند و متقابلاً ایالات متحده آمریکا نیز در رخدادهای اروپا دخالت نخواهد کرد. بریتانیا که از استقلال امریکای لاتین منتفع می‌شد از این اصل حمایت کرد و قدرت‌های دریایی به رهبری بریتانیا در برابر قدرت‌های زمینی شکل گرفتند. بعد از جنگ دوم جهانی و تضعیف بریتانیا، نقش این دو کشور در رهبری قدرت‌های دریایی تغییر کرد (لونی شونل، ۱۳۹۳: ۱۱۲-۸۴).

در قرن هفدهم و هجدهم بریتانیا تلاش بسیار گسترده‌ای برای حذف رقبای خود در خلیج فارس انجام داد. آنها با کمک صفویان بر پرتغالی‌ها پیروز شدند و از میر مهنّا در برابر هلندی‌ها حمایت کردند. با حذف این رقبای بریتانیا در برخی جزایر این دریا دست به تأسیس پایگاه دریایی زد و از جمله این جزایر بحرین بود که جزیره بسیار راهبردی به‌شمار می‌رفت. این حضور نظامی تا امروز نیز ادامه دارد و ایالات متحده دارای چندین پایگاه در خلیج فارس است که همچنان مهم‌ترین آن در بحرین است (Potter, 2009: 8).

امپراتوری بریتانیا بعد از شکست اسپانیا در دوران ملکه الیزابت اول، به بزرگ‌ترین قدرت دریایی جهان تبدیل شد (قاسمیان، ۱۳۹۱: ۷۴). نداشتن مرز زمینی و موقعیت جزیره‌ای این کشور، به آنها این اجازه را داد تا تمام توان خود را در تقویت نیروی دریایی خود بکار ببندند. در سال‌های بعد امپراتوری بریتانیا با شکست فرانسه در جنگ‌های نیمه قرن هجدهم میلادی در آمریکا، کانادا و هند و پیروزی در جنگ‌های ناپلئونی، به قدرت شکست‌ناپذیر دریایی تبدیل شد. مستعمرات این کشور در تمام قاره‌های جهان گسترده



نقشه ۲. امپراتوری بریتانیا (وبگاه توریستگاه، ۱۳۹۶)

بازی بزرگ

بازی بزرگ به رقابت استعماری روسیه تزاری و بریتانیا در قرن نوزدهم میلادی گفته می‌شود. پس از فتح هندوستان توسط بریتانیا و مرتفع شدن خطر فرانسه برای تسلط بر هندوستان، انگلیسی‌ها از حرکت روس‌ها به سمت جنوب وحشت کردند. روسیه تزاری با شکست ایران و خان‌نشین‌های آسیای میانه به شمال افغانستان رسید و با دولت عثمانی درگیر شد. بریتانیا به همراه فرانسه و کشور کوچک ساردنی در سال ۱۸۵۴ م. به نفع امپراتوری عثمانی علیه روسیه وارد جنگ شدند و این کشور را وادار به عقب‌نشینی کردند. روسیه که سودای تسلط بر تنگه‌های بسفر و داردانل را داشت تصمیم گرفت تا به سمت خلیج فارس حرکت کند. روسیه می‌دانست که برای تبدیل شدن به یک قدرت دریایی رسیدن به آب‌های خلیج فارس حیاتی است. بریتانیا برای جلوگیری از نفوذ روسیه به هندوستان سعی کرد تا یک دولت حائل در افغانستان به وجود بیاورد. برای این کار لازم بود تا ارتش نسبتاً قدرتمند ایران که با حاکمان هرات و کابل درگیر بود، برای عقب‌نشینی از افغانستان تحت فشار قرار بگیرد. نیروی زمینی بریتانیا شانسی برای مقابله با ایران نداشت اما نیروی دریایی قدرتمند این کشور با حمله به بنادر جنوبی ایران، این کشور را وادار کرد تا از افغانستان دست بکشد. بریتانیا برای توقف روسیه به سمت خلیج فارس، قرارداد ۱۹۰۷ م. را با این کشور منعقد کرد و ایران را به دو منطقه نفوذ تقسیم کند. مناطق جنوب در حیطه نفوذ بریتانیا درآمد. پیشروی بریتانیا به سمت خلیج فارس با اشغال سواحل مکران، ادامه یافت. پس از آغاز جنگ جهانی اول ارتش روسیه از رودخانه ارس عبور کرد و نیروی دریایی بریتانیا در سواحل خلیج فارس نیرو پیاده کرد (حافظ‌نیا، ۱۳۹۵: ۳۲۵-۳۴۱).

علائق ژئوپلیتیک بریتانیا در خلیج فارس

پس از خروج پرتغالی‌ها از منطقه در ابتدا سلاطین عمان قدرت بالایی یافتند (چمنکار، ۱۳۹۳: ۹۶) اما در نیمه‌های قرن نوزدهم که قدرت‌های دریایی استعماری در خلیج فارس دست بالا را پیدا کردند، مهم‌ترین علایق آنها جلوگیری از نفوذ قدرت‌های زمینی به هندوستان بود. در آن دوران مهم‌ترین مستعمره بریتانیا هند بود که به سبب وجود منابع فراوان و نیروی کار گسترده و بازار بزرگی که برای بریتانیا فراهم می‌کرد، ثروت سرشاری را نصیب این کشور کرده بود. ایران به‌عنوان دروازه بریتانیا شناخته می‌شد و سواحل گسترده این کشور در خلیج فارس و مکران تنها راه نفوذ بریتانیا به این کشور بود. در نیمه نخست قرن نوزدهم میلادی و مرتفع شدن خطر ناپلئون بناپارت برای بریتانیا، این کشور برای تحت فشار قرار دادن ایالات متحده که به تازگی استقلال یافته بود و به نیروی بردگان نیاز داشت، تصمیم گرفت تا قوانین ضد تجارت برده را تصویب و اجرا کند. در محدوده خلیج فارس تجارت برده پیش از آن در انحصار اعراب و کشتی‌های بریتانیایی بود. بریتانیا با تصویب این قوانین می‌توانست به بهانه جلوگیری از تجارت برده اعراب خلیج فارس را تحت تعقیب قرار دهد. در همین دوره انگلیسی‌ها با فشار و ترغیب حق تفتیش کشتی‌ها در دریا را از محمدشاه قاجار گرفتند. انگلیس‌ها کم‌کم با توسل به قانون ۱۸۲۰ م. مبنی بر ممنوعیت تجارت برده، توانستند به حقوق تفتیش کشتی‌ها در خلیج فارس دست یابند و نفوذ خود را در این آبراهه قطعی سازند (قاسمیان، ۱۳۹۱: ۷۶-۸۱). دولت بریتانیا پس از پایان یافتن جنگ بوئرها، در سال ۱۹۰۳ م. ناوگان قدرتمندی را برای حفاظت از منافع خود به منطقه خلیج فارس گسیل داشت. از نظر سیاست‌مداران انگلیسی مانند لرد کرزن، خلیج فارس مهم‌ترین منطقه استراتژیک برای تسلط بر هند بود. در این دوره انگلستان آگاهانه در

نزدیک شود و جای پای در خلیج فارس داشته باشد (زارعی و رشیدی، ۱۳۹۸: ۳۱۵).

جنگ سرد

با پایان یافتن جنگ جهانی دوم تنها دو قدرت بزرگ و جهانی واقعی در دنیا باقی مانده بودند و بقیه قدرت‌های جهان در اردوگاه این دو قرار داشتند. قدرت دریایی به رهبری ایالات متحده آمریکا رهبر جهان اقتصاد آزاد و قدرت دریایی به رهبری اتحاد جماهیر شوروی رهبر جهان اقتصاد برنامه‌ریزی شده بود. در این دوره سیاست قدرت‌های دریایی مهار اتحاد جماهیر شوروی در مرزهای خود بود. ایالات متحده بیش از هر قدرت دیگری در جهان مشغول نقش‌آفرینی بود و خلیج فارس یکی از نقاط راهبردی با اهمیت ژئوپلیتیکی فوق‌العاده در جهان به‌شمار می‌آمد. در دوران جنگ سرد سیاست خارجی ایالات متحده آمریکا بر مبنای اصل ترومن، اصل آیزنهاور، اصل چهار ترومن و طرح مارشال استوار بود. در سال ۱۹۵۷ م. دولت آیزنهاور رئیس‌جمهور ایالات متحده آمریکا، پیشنهادهایی را در مورد خاورمیانه و مناطق پیرامون آن ارائه داد که به اصل آیزنهاور معروف شد. بر اساس این اصل آمریکا می‌توانست در صورت لزوم برای حفظ کشورهای منطقه از خطر کمونیسم از نیروی نظامی خود استفاده کند. از طرفی ایالات متحده آمریکا می‌بایست به توسعه منطقه کمک کند تا جلوی نفوذ کمونیسم گرفته شود. رقابت‌های ایالات متحده با اتحاد جماهیر شوروی در کمربند باریک ریملند جریان داشت و خلیج فارس قلب راهبردی این منطقه بود. خلیج فارس برای ایالات متحده آمریکا به دلیل وجود ذخایر بزرگ نفت در این منطقه و همچنین به دلیل موقعیت خاص راهبردی آن که پیونددهنده سه قاره آسیا، اروپا و آفریقا بود، از اهمیت زیادی برخوردار بود. در دوران جنگ سرد اتحاد جماهیر شوروی برای نفوذ به خلیج فارس تلاش

دستیابی ایران به نیروی دریایی قدرتمند کارشکنی می‌کرد. در این دوره قدرت دریایی بریتانیا آشکارا با تمام رقبای خود مانند روسیه تزاری، آلمان و فرانسه رقابت می‌کرد (حقیقی، ۱۳۸۸: ۸۳-۸۹).

با آغاز قرن بیستم و کشف و استخراج گسترده نفت در منطقه خلیج فارس، این منطقه به سرعت از یک منطقه استراتژیک به یک منطقه ژئوپلیتیک و ژئواکونومیک تبدیل شد (قاسمی، ۱۳۸۹: ۷۱) و نفت مهم‌ترین دلیل حضور نظامی قدرت‌های دریایی در خلیج فارس بود. در سال ۱۹۳۸ م. خاورمیانه ۵ درصد نفت جهان و ۲۲ درصد نفت بریتانیا را تأمین می‌کرد. از طرفی نیروی دریایی بریتانیا برای تأمین سوخت کشتی‌های جنگی خود به بنادر خرم‌شهر و آبادان نیاز داشت (چمنکار، ۱۳۸۹: ۹-۱۴). در این دوره بریتانیا با حمله به زبارة و اشغال بحرین بر جنوب خلیج فارس نیز تسلط یافته بود (احمدوند، ۱۳۹۵: ۲۷).

علاقه ژئوپلیتیکی ایالات متحده آمریکا در خلیج فارس

ایالات متحده آمریکا پس از جنگ جهانی دوم و به‌ویژه پس از جنگ سرد با زیر پا گذاشتن اصل مونور از حالت انزوا بیرون آمد و به سرعت به یک قدرت بزرگ جهانی بدل شد. ایالات متحده دارای سه موضع پدافندی است؛ ایالات متحده، اروپای غربی و خلیج فارس. اهمیت خلیج فارس برخلاف تصور عموم اهمیتی اقتصادی و مربوط به تأمین انرژی ارزان نیست. بلکه ایالات متحده در تلاش است تا مدخل انرژی در جهان را مهار کند. به این وسیله نبض اقتصاد جهانی را در دست دارد. با تسلط بر خلیج فارس ایالات متحده قدرت‌های بزرگی مانند روسیه و چین را در مهار خود خواهد داشت. چین که از جانب ایالات متحده در حوزه اقیانوس آرام محاصره شده است به نوعی در تلاش است تا با نزدیکی به پاکستان به سواحل جنوب آسیا

از جهان گسیل کنند. از طرفی بخش‌هایی از جهان به دلیل قرار گرفتن در عمق خشکی‌ها از دسترس قدرت‌های دریایی به دور هستند. این مناطق برطبق نظریه هلفورد مکیندر شامل مناطق وسیعی از روسیه می‌شود. قدرت‌های دریایی نیز به سبب قدرت تحرک بالا بر کمر بند باریک ریملند تسلط یافتند تا جلوی قدرت‌های دریایی را بگیرند. موقعیت خلیج فارس به گونه‌ای است که یکی از بااهمیت‌ترین مناطق این کمر بند حاشیه‌ای به‌شمار می‌رود. به همین سبب در سال‌هایی که رقابت این دو قدرت بزرگ جهانی شکل گرفته است، همواره خلیج فارس میدان برخورد این دو قدرت بوده است. این دریای بسته از ابتدای قرن بیستم میلادی به بعد به‌عنوان مهم‌ترین منبع تأمین انرژی جهانی به‌شمار می‌آمده است. از طرفی این دریا، حلقه ارتباطی سه قاره آسیا، آفریقا و اروپا به‌شمار می‌آید. هر کس بر این دریا تسلط داشته باشد، می‌تواند نبض ارتباطات جهانی را به دست گیرد. موقعیت خشکی‌های شمال این دریا به گونه‌ای است که همواره مهم‌ترین شاهراه جهانی از آن عبور می‌کرده است. به دلیل موقعیت خاص دریای خزر که در عرض‌های جغرافیایی به سمت شمال کشیده شده است و پهنای دریای سیاه، تنها راه مناسبی که اروپا را به شرق آسیا و هند پیوند می‌دهد، راهی است که از ایران و حفاصل دریای خزر و خلیج فارس می‌گذرد و با عبور از تنگه‌های بسفر و داردانل به اروپا می‌رسد. این مسیر تاریخی عبور راه‌های ابریشم و ادویه بوده است. در این میان راه آبی-خاکی خلیج فارس- آسیای صغیر نسبت به راه دریای سرخ نزدیک‌تر و به‌صرفه‌تر بوده و هست. همواره مال‌التجاره تجار ایرانی، عرب، هندی، آفریقایی و اروپایی از بنادر خلیج فارس وارد خاک عثمانی و اروپا می‌شده است و این مسیر هنوز هم مسیر بااهمیتی است. این علایق ژئوپلیتیکی سبب شده است که قدرت‌های دریایی همواره برای حفظ

می‌کرد. در این دوران این کشور تا حدود زیادی به عراق نزدیک شد. جلوگیری از دستیابی اتحاد جماهیر شوروی به خلیج فارس مهم‌ترین دلیل حضور گسترده نظامی ایالات متحده آمریکا در این آبراهه بود. به‌ویژه اینکه خلیج فارس به مهم‌ترین آبراهه عبور انرژی در جهان تبدیل شد (جداری کریمیان، ۱۳۹۴: ۵۷-۶۰).

دوره پس از جنگ سرد

پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و عقب‌نشینی قدرت زمینی به نظر می‌رسید نبرد این دو قدرت به پایان رسیده است. پیش‌تر برخی از نظریه‌پردازان آمریکایی مانند فرانسیس فوکویاما خبر از پایان تاریخ داده بودند. حضور ایالات متحده آمریکا در خلیج فارس با تکیه بر اصل نظم نوین جهانی که از مهم‌ترین اصول جرج بوش اول، رئیس‌جمهور ایالات متحده آمریکا بود، به اوج خودش رسید. جرج بوش با ارائه نظریه نظم نوین جهانی اعلام کرد که جهان به رهبری ایالات متحده آمریکا باید برای سرکوب تجاوز صدام حسین رئیس‌جمهور عراق به کویت بسیج شود. این سرآغاز حضور گسترده ایالات متحده آمریکا در خلیج فارس بود (مجتهدزاده، ۱۳۹۲: ۱۶۲-۱۶۰). به نظر می‌رسد حضور نظامی آمریکایی‌ها در خلیج فارس پیش از آنکه دلایل اقتصادی داشته باشد به دلیل مسائل ژئوپلیتیکی است. در سال‌های اخیر بریتانیا پس از سال‌ها دوباره به خلیج فارس بازگشته است. جهان شاهد آرایش جدیدی از قدرت‌های دریایی در برابر قدرت‌های زمینی است و قانون این رقابت‌ها در حال حاضر خلیج فارس است.

نتیجه‌گیری

قدرت‌های دریایی به پهنه وسیعی از جهان تسلط دارند. به لحاظ امکانات دریایی و داشتن سواحل وسیع، می‌توانند نیروهای خود را به سرعت به هر گوشه

روابط خارجی. شماره ۴۱. ۷۹ - ۱۰۰

- ذاکر اصفهانی، علیرضا. (۱۳۷۶). روند انفصال بحرین از ایران. *دانشکده ادبیات و علوم انسانی*. شماره ۹. ص ۷۱ - ۹۵

- زارعی، بهادر؛ رشیدی، مصطفی. (۱۳۹۸). قرن بیست و یکم قرن آسیا - پاسیفیک (تمرکز فعالیت و رقابت اقتصادی و چالش‌های ژئوپلیتیکی). تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

- طرفداری، علی محمد. (۱۳۸۹). حضور نخستین استعمارگران اروپایی در خلیج فارس: سرآغاز رویارویی دو نظام اقتصاد سنتی شرق و اقتصاد بورژوازی غرب. *تاریخ روابط خارجی*. شماره ۳۶. ص ۴۹ - ۷۲

- عزتی، عزت‌الله. (۱۳۸۶). *نظریه‌های جدید جغرافیای سیاسی*. تهران: نشر قومس.

- عزتی، عزت‌الله. (۱۳۸۸). ژئوپلیتیک. تهران: انتشارات سمت.

- قاسمی، فرهاد. (۱۳۸۹). مدل ژئوپلیتیکی امنیت منطقه‌ای مطالعه موردی خاورمیانه. ژئوپلیتیک. شماره ۱۸. ص ۵۷ - ۹۴

- قاسمیان، سلمان. (۱۳۹۱). انگلستان و اهداف او از منع تجارت برده در خلیج فارس. *تاریخ اسلام در آینه پژوهش*. شماره ۳۲. ص ۶۵ - ۸۸

- لویی شوئل، فرانک. (۱۳۹۳). آمریکا چگونه آمریکا شد: *تاریخ ایالات متحده آمریکا*. برگردان ابراهیم صدقیانی. تهران: شرکت چاپ و نشر بین‌الملل (وابسته به سازمان تبلیغات اسلامی).

- مجتهدزاده، پیروز. (۱۳۹۲). *جغرافیای سیاسی و سیاست جغرافیایی*. تهران: انتشارات سمت.

- مرادخانی، حسن. (۱۳۹۵). ایران و ریملند. (بازیابی شده در ۱۸ مرداد ۱۳۹۸. از <https://basirat.ir/fa/news/299929>).

- وبگاه توریستگاه. (۱۳۹۶). حقایق جالب درباره بریتانیا که دوست دارید بدانید. (بازیابی شده در ۱۴ مرداد ۱۳۹۸. از <https://www.touristgah.com/Article/448>).

- Gregory, Derek and others. (2009). *The dictionary of Human Geograph*. UK: Blackwell.

- Potter, Lawrence. (2009). *The Persian Gulf in History*. New York: Palgrave Macmillan.

موقعیت خویش حضور نظامی خود را در این دریا تقویت کنند و به نظر نمی‌رسد قصدی برای دست کشیدن از منافع حیاتی خود در این منطقه داشته باشند. در واقع ایالات متحده آمریکا در سطح کره زمین سه موضع پدافندی دارد که شامل ایالات متحده آمریکا، اروپای غربی و خلیج فارس می‌شود. آلفرد تایر ماهان، نظریه‌پرداز آمریکایی در قرن نوزدهم میلادی هشدار داده بود که روسیه بیشترین تلاش را برای رسیدن به آب‌های گرم خلیج فارس دارد (عزتی، ۱۳۸۸: ۱۶). با توجه به کشش دوباره روسیه به خاورمیانه که در علایق این کشور در شرکت در حوادث جنگ داخلی سوریه مشاهده می‌شود و نزدیکی روابط ایران و سوریه به نظر می‌رسد، خلیج فارس می‌تواند به عرصه رقابت جدی قدرت‌های دریایی و زمینی بدل شود.

منابع

- احمدوند، عباس. (۱۳۹۵). شهر زبارة و استقلال قطر. *پژوهش‌های تاریخی ایران و اسلام*. شماره ۱۹. ص ۲۱ - ۳۰

- جداری کریمیان، عباس. (۱۳۹۴). سیاست خارجی آمریکا در خلیج فارس. *نقد کتاب تاریخ*. شماره ۶ و ۷. ص ۵۵ - ۶۸

- چمنکار، محمدجعفر. (۱۳۸۹). تقابل انگلستان با تحرکات دیپلماسی منطقه‌ای ایران در حوزه خلیج فارس ۱۳۲۰-۱۳۰۴ ش. *تاریخ روابط خارجی*. شماره ۴۲. ص ۱ - ۲۸

- چمنکار، محمدجعفر. (۱۳۹۳). زمینه‌های ناتوانی ایران صفوی در برخورد با امامان یعاربه عمان در خلیج فارس (سده ۱۲ هجری). *تاریخ‌نامه ایران بعد از اسلام*. شماره ۸. ص ۹۱ - ۱۱۶

- حافظ‌نیا، محمدرضا. (۱۳۹۵). *جغرافیای سیاسی ایران*. تهران: انتشارات سمت.

- حقیقی، خلیل. (۱۳۸۸). انگلستان، کرزن و خلیج فارس. *تاریخ*